

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ فبروری ۲۰۲۱

آگاهی و مبارزه طبقاتی، ناقوس مرگ نئولیبرالیسم!

۳

دوشنبه - ۲۷ دلو ۱۳۹۹ - کابل:

به ادامه گذشته:

در قسمت قبل مختصراً تذکار دادیم که اصل همسان سازی معاشات، با قانون اساسی نئولیبرالیستی ساخت استعمار در افغانستان مغایرات دارد. در ادامه باید افزود:

مغایرت با قانون اساسی تنها مشکلی نیست که خواست همسان سازی معاشات به وجود می آورد بلکه مهمتر از آن طرح و تطبیق همسان سازی معاشات در حقیقت می تواند تمام رشته های سیاسی - استخباراتی را که استعمار در افغانستان تنیده است از هم پاره کند. زیرا:

با حرکت از این واقعیت که اشغالگران حین اشغال کشور به غیر از چند جاسوس تکنوکرات معلوم الحال، از کمترین پایگاه سیاسی و حمایت بشری برخوردار بودند، زیرا از یک جانب با دو بخش آنهایی که سالها میلارد ها دالر جهت برجسته ساختن نقش آنها در حیات اجتماعی و سیاسی کشور مصرف نموده بودند یعنی بخشهای طالب و باند "گلبدين" عملاً در تقابل نظامی قرار داشتند و از جانب دیگر بخشهای دیگری از همان روند در وجود "جمعیت- شورای نظار" و "حزب وحدت" روی دلایل متعدد در خدمت رقبای اشغالگران قرار گرفته بودند؛ نیاز مبرم اشغالگران جهت ایجاد یک اداره وابسته و منقاد به خودش پیدا کردن و گماردن آن تعداد از افغانهای وطنفروش و خود فروش بود، تا همه به دور خوان استعمار به ریزه چینی پرداخته حاکمیت مطابق میل آنها را شکل دهند.

این نکته هم مسلم بود که چنین افرادی را در داخل کشور پیدا کردن اگر ناممکن نبود، ساده و آسان هم نبود. همین ضرورت اشغالگران و حاکمیت نوبنیاد دست نشانده را وادار ساخت، در کنار "انجو" ها مستقیماً به نیابت و همکاری اشغالگران در صدد پرورش و سازماندهی نسلی از وطنفروشان حرفه ای برآمده از موضع حاکمیت وارد میدان شوند و آنده از وطنفروشان و انقیاد طالبان را که از یک سو در کشور های غربی یا بیکار بودند و یا هم به کار های پائینتر از سوئی شان اشتغال داشتند و از سوی دیگر می خواستند با آمدن به افغانستان و شرکت در چور و چپاول، برای خود آگاه و بارگاه بسازند، به طرف خود جلب نموده با معاشات بلند دالری به کار گمارند.

اشغالگران و حاکمیت دست نشانده از این گماردن ها و حاتم بخشی ها هدفی را که دنبال می نمودند، همزمان با ایجاد اداره، پرورش و سازماندهی طیف وسیعی از وطنفروشان به دور جواسیس تکنوکرات بود. آنها می خواستند و تا حدی به اهداف خود نایل آمدند که از طریق همین طیف هم اداره مستعمراتی شان را ایجاد نمایند و هم جواسیس تکنوکرات انگشت شمار را در حلقه های چندین گانه، مورد حمایت قرار داده به آنها امکان رویارویی با منادیان اسلام سیاسی را فراهم سازند. یعنی طیفی را ایجاد نمایند که با هزار تقلب و چال و نیرنگ بتوانند جواسیس تکنوکرات را بر کرسی قدرت بنشانند.

با در نظر داشت چنین واقعیتی، وقتی مسأله همسان سازی معاشات مطرح می گردد، عملاً "ولسی جرگه" می خواهد طیفی را مورد حمله قرار دهد که به مثابه کمربند های حمایتی در اطراف جواسیس تکنوکرات جمع شده آنها را به قدرت رسانیده و حافظ قدرت آنها می باشند. "ولسی جرگه" خوب می داند که هرگاه معاشات دالری از میان برود، هیچ یک از آنهایی که با اشغالگران از غرب آمده اند، حتا برای یک ماه و یک هفته نیز در افغانستان اقامت نخواهند نمود. یعنی همه بار و پندک شان را بسته، راهی همان کشورهایی خواهند شد که در آنجا از طریق کمک های اجتماعی و یا کار در بدل کمکهای اجتماعی زندگی نسبتاً آرام و بدون خوفی را سپری می نمودند. این یعنی تجرید جواسیس تکنوکرات، یعنی سقوط حاکمیت شان و یا دست طلب دراز نمودن به داعیان اسلام سیاسی که سابقه و ریشه های گسترده تری نسبت به جواسیس تکنوکرات داشته و دارند.

ادامه دارد.